



صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران

مدیریت
پژوهش‌های خبری

مدیریت
پژوهش
خبری
مدیریت
پژوهش
خبری
صدا و سیما

تأملی در وضعیت جمعیت ایران و جهان

با نگاهی به آینده جمعیت ایران

(به مناسبت ۲۱ تیرماه روز جهانی جمعیت)

فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

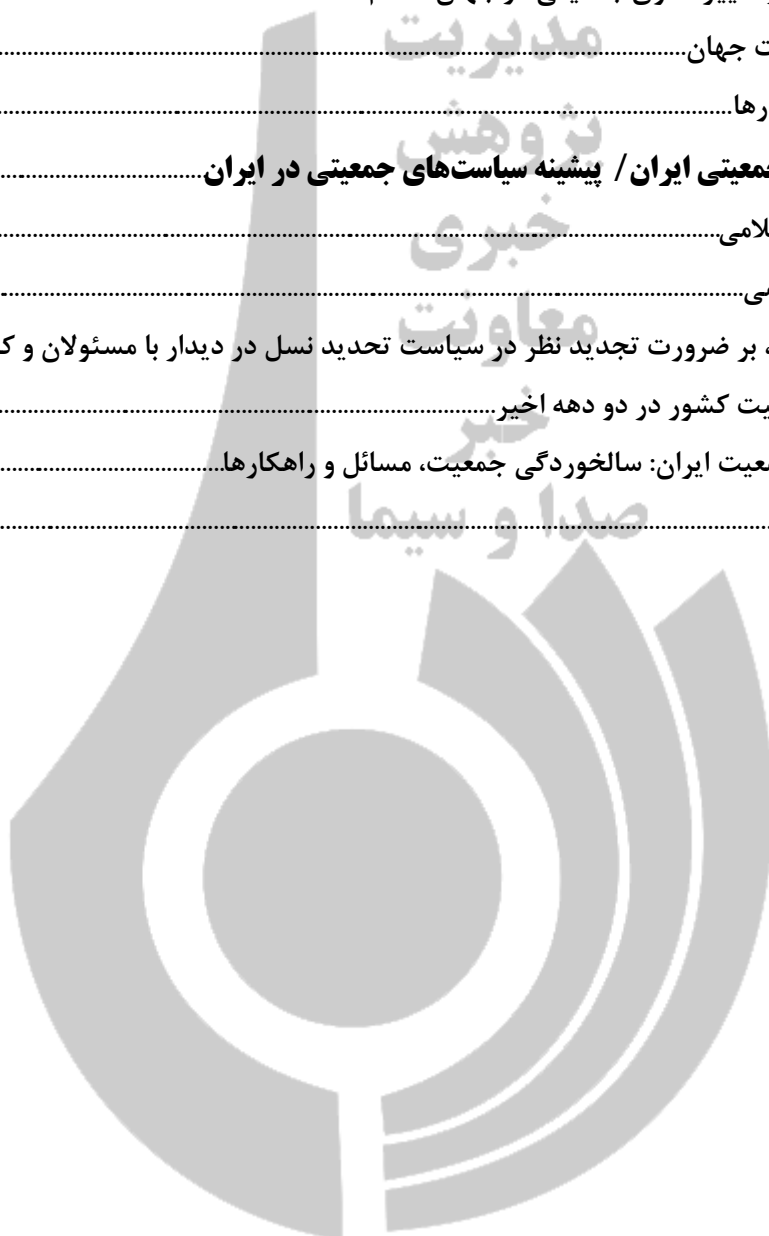
– وب‌سایت خبرگزاری صدا و سیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

– گروه تلگرام پژوهش‌های خبری صدا و سیما <https://telegram.me/pajooreshkhabar>

پژوهشگر: فریفته هدایتی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	۱. مقدمه
 رشد جمعیت در جهان
۱	۱. جمعیت و مذاهب در جهان.....
۲	۲. گزارش اندیشکده بلفر از تغییر الگوی جمعیتی در جهان اسلام.....
۳	۳. پشت پرده کاهش جمعیت جهان.....
۵	۵. جمعیت ایران، برخی آمارها.....
۶	۶. روند دگرگونی‌های جمعیتی ایران / پیشینه سیاست‌های جمعیتی در ایران
۶	۶. الف) پیش از انقلاب اسلامی.....
۶	۶. ب) پس از انقلاب اسلامی.....
۸	۸. تأکید مقام معظم رهبری، بر ضرورت تجدید نظر در سیاست تحدید نسل در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام.....
۸	۸. دلایل کاهش شدید جمعیت کشور در دو دهه اخیر.....
۹	۹. تحلیل وضعیت آینده جمعیت ایران: سالخوردگی جمعیت، مسائل و راهکارها.....
۱۳	۱۳. منابع.....



شورای نظارت بر برنامه توسعه سازمان ملل در سال ۱۹۸۹ به منظور متمرکز کردن توجه به ضرورت و اهمیت روند رشد جمعیت و مسائل مرتبط با آن و یافتن راه حل این مسائل توصیه کرد که جامعه بین المللی یازدهم ژوئیه را به عنوان روز جهانی جمعیت در نظر بگیرد.

کاهش بی سابقه مرگ و میر که در قرن نوزدهم در نقاط توسعه یافته جهان شروع شد و در قرن بیستم به تمام جهان گسترش یافت یکی از دستاوردهای بزرگ بشریت است. بین سالهای ۱۸۰۰ تا ۲۰۰۵ امید به زندگی از ۳۰ سال به ۶۷ سال افزایش یافت که منجر به افزایش سریع جمعیت از یک میلیارد در سال ۱۸۱۰ به ۷ میلیارد در سال ۲۰۱۰ شد. این موضوع این چالش دلهره آور را ایجاد کرد که نیازهای نسل‌های کنونی و آینده چگونه باید برآورده شود؟ از این رو سازمان ملل متحد روز ۱۱ ژوئیه را با هدف افزایش آگاهی مردم در مسائل مختلف از جمله اهمیت تنظیم خانواده، برابری جنسیتی، فقر، بهداشت مادران و حقوق بشر، روز جهانی جمعیت نامگذاری کرد تا موجبات ایجاد آگاهی از اهمیت خانواده کوچک و زندگی سالم، مسائل جمعیتی و تأثیر آنها در توسعه و محیط فراهم گردد. از سال ۱۹۸۹ به بعد با تشویق صندوق جمعیت ملل متحد (UNFPA)، دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی، موسسات و رهبران مذهبی به سازماندهی فعالیت‌های مختلف آموزشی برای این روز می‌پردازند.

جمعیت و مذاهب در جهان

مختصات دینی جهان به سرعت در حال تغییر است، و این عمدتاً به خاطر تفاوت در نرخ باروری و اندازه جمعیت جوانان در میان ادیان بزرگ جهان، و نیز تغییر مذاهب افراد است. در طول چهار دهه آینده، مسیحیان بزرگترین گروه مذهبی باقی خواهد ماند، اما اسلام سریعتر از هر دین مهم دیگری رشد خواهد کرد. اگر روند فعلی ادامه یابد، تا سال ۲۰۵۰:

- تعداد مسلمانان تقریباً برابر با تعداد مسیحیان در سراسر جهان خواهد شد.
- بی‌خداهای، اگنوستیک‌ها و افراد دیگری که به هیچ دینی اعتقاد ندارند - به رغم روند افزایش جمعیت‌شان در کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا و فرانسه - سهم‌شان از کل جمعیت جهان کاهش می‌یابد.
- جمعیت بودایی جهانی به همان اندازه سال ۲۰۱۰ خواهد بود، در حالی که جمعیت هندو و یهودی بیشتر از امروز خواهد بود.
- در اروپا، مسلمانان ۱۰ درصد از کل جمعیت را تشکیل می‌دهند.
- هند اکثریت هندو را حفظ می‌کند اما جمعیت مسلمانان در این کشور بیش از هر کشور دیگری در جهان خواهد بود و اندونزی را پشت سر خواهد گذاشت.

- در ایالات متحده، جمعیت مسیحیان از بیش از سه چهارم جمعیت در سال ۲۰۱۰ به دو سوم در سال ۲۰۵۰ کاهش می‌یابد و دین یهود دیگر بزرگترین دین غیرمسیحی نخواهد بود و مسلمانان در ایالات متحده خیلی بیشتر از یهودیان خواهند بود.

- از هر ۱۰ مسیحی در جهان چهار نفر در کشورهای جنوب صحرای آفریقا زندگی خواهند کرد.

این روند تغییرات مذهبی در جهان در ارزیابی‌های جمعیتی جدید مرکز تحقیقات پیو مشخص شده است. این پیش‌بینی مبتنی بر محاسبه اندازه فعلی و توزیع جغرافیایی ادیان بزرگ جهان، تفاوت سن، نرخ باروری و مرگ و میر، مهاجرت بین المللی و الگوی تغییرات در آینده است.

بنابر این اسلام تنها گروه اکثریت مذهبی است که پیش‌بینی می‌شود که رشدی سریع تر از رشد جمعیت جهان را تجربه می‌کند.

با این حال، اسلام تقریباً تا اواسط قرن ۲۱ فراگیر خواهد شد. بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۵۰، انتظار می‌رود جمعیت کل جهان با ۳۵ درصد افزایش به ۹/۳ میلیارد برسد. در همین دوره، مسلمانان - جمعیت نسبتاً جوان با نرخ باروری بالا - ۷۳٪ افزایش می‌یابد و پیش‌بینی می‌شود تعداد مسیحیان نیز افزایش یابد، اما آهسته‌تر، در حدود همان نرخ افزایش کلی جمعیت جهان (۳۵٪) و این در حالی است که جمعیت یهودیان جهان در همین دوره ۱۶ درصد افزایش خواهد یافت.

در نتیجه، با توجه به پیش‌بینی‌های تحقیقات پیو، تا سال ۲۰۵۰ تقریباً جمعیت مسلمانان (۲/۸ میلیارد یا ۳۰ درصد از جمعیت) و مسیحیان (۲/۹ میلیارد دلار، و یا ۳۱٪)، احتمالاً برای اولین بار در تاریخ با هم برابر می‌شود. همچنین نرخ باروری کل در میان مسلمانان به طور متوسط ۳/۱ فرزند به ازای هر زن خواهد بود که بالاتر از نرخ سطح جایگزینی (۲/۱) است. و این رقم برای مسیحیان ۲/۷ است. (برگرفته از وبسایت موسسه تحقیقات پیو)

گزارش اندیشکده بلفر از تغییر الگوی جمعیتی در جهان اسلام

اما به رغم گزارش موسسه پیو، اندیشکده آمریکایی بلفر در مطلبی به اتفاق خاموشی پرداخته است که در دنیای اسلام در حال وقوع است؛ اتفاقی که نه بهار عربی است و نه افزایش بنیادگرایی اسلامی... بلکه بنا به گفته یک جمعیت‌نگار برجسته، نرخ باروری در میان مسلمانان به شدت کاهش و فرار از ازدواج در میان زنان عرب و مسلمان افزایش یافته است. نیکولاس ابرشتات، از محققان انستیتو انترپرایز آمریکا، در مقاله خود با عنوان: «کاهش باروری در جهان اسلام، تغییری فاحش که در کمال تعجب کسی متوجه آن نشده است» تصویری متفاوت از تصویر معمول از افزایش متداوم جمعیت در سرزمین‌های اسلامی نشان می‌دهد. البته جمعیت در این کشورها رو به افزایش است، اما با ادامه روند کنونی، این افزایش جمعیت دیری نخواهد پایید.

وی با استفاده از داده‌های بدست آمده از ۴۹ کشور و قلمروهای دارای اکثریت مسلمان دریافت که در حالی که در فاصله ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ کاهش نرخ باروری در کل جهان ۳۳ درصد بوده است. ۲۲ درصد از کشورها و قلمروهای مسلمان شاهد ۵۰ درصد یا بیشتر کاهش باروری بوده‌اند. و طی سه دهه گذشته بیشترین کاهش نرخ باروری (حدود ۶۰ درصد) در ایران، عمان، امارات متحده عربی، الجزیره، بنگلادش، تونس، لیبی، آلبانی، قطر و کویت بوده است. کاهش نرخ باروری در ایران طی ۳۰ سال گذشته حیرت‌انگیز و معادل ۷۰ درصد، بوده، که به گفته ابرشتات

« یکی از سریع ترین و چشمگیرترین آمارهای کاهش باروری در تاریخ بشر » بوده است. به گفته او، تا سال ۲۰۰۰، نرخ باروری ایران به دو زایمان در هر زن کاهش یافته بود، که پایین تر از سطح مورد نیاز برای جایگزینی جمعیت، کنونی است. در مقاله‌ای در تایمز مورخ ژوئیه ۲۰۱۲ نرخ باروری در ایران از این نیز کمتر عنوان شده و به هشدار سازمان ملل در گزارشی اشاره کرده است. بنابر این گزارش، جمعیت ایران در دو دهه آینده رو به کاهش می‌رود و در صورت تداوم روند کنونی، تا پایان این قرن بیش از ۵۰ درصد کاهش می‌یابد.

وی دلایل این امر را تنها اقتصادی نمی‌داند و به عامل فرهنگی و رواج « سبک زندگی مجردی » و افزایش تمایل جوانان به « فرار از ازدواج » اشاره می‌کند. فرهنگی که ابتدا در سبک زندگی جوامع غربی راه پیدا کرد و پس از آن با گسترش راه‌های ارتباطی و نفوذ فرهنگی در کشورهای شرقی، اکنون این تمایل به زندگی مجردی و روابط خارج از چارچوب خانواده و ازدواج در کشورهای مسلمان نیز بسیار شایع شده است. ترویج سبک زندگی غربی، سختی روز افزون ازدواج در جوامع مسلمان - از جمله کشورمان - و هجوم بی‌سابقه شبکه‌های ماهواره‌ای به شیوه زندگی ایرانی - اسلامی، پدیده‌هایی نظیر « تجرد »، « فرار از ازدواج »، « بی‌علاقگی به خانواده »، « روابط خارج از دایره عرف و شرع » و در نهایت بحران جمعیت و خانواده را به گونه‌ای دامن زده است که صدای زنگ خطر آن به گوش مراکز و اندیشکده‌های غربی نیز رسیده است.

به گفته ابرشتات با توجه به روند کاهش نرخ ازدواج در جهان عرب، «اتفاق بزرگی در شرف وقوع است و عملاً هیچ کس حتی در دنیای عرب متوجه آن نشده است» و آن کاهش نیروی کار و افزایش جمعیت بازنشسته کشورهای مسلمان در آینده است. یعنی گرچه جهان عرب در حال حاضر شاهد افزایش شدید جمعیت جوان است، اما به سبب کاهش نرخ ازدواج و فرزندآوری آینده، آمار موجود نشان می‌دهد که، آینده پیش روی نسل بعدی کاهش تعداد نیروی کار و افزایش جمعیت بازنشسته است. (مشرق، ۹۲/۱/۱۲)

پشت پرده کاهش جمعیت جهان

سال‌هاست سران « مجامع مخفی » جهانی، مانند مؤسسه سلطنتی امور بین‌الملل، شورای روابط خارجی، جامعه بیلدربرگرها، کمیسیون سه‌جانبه، فراماسونری، باشگاه رم و کمیته ۳۰۰، با طرح‌ها و برنامه‌های گوناگون زمینه نفوذ و اقتدار نظام سلطه بر مناسبات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ملل جهان را فراهم آورده‌اند و سرنوشت ملت‌ها و کشورهای مستقل جهان را به میل و اراده خود تغییر می‌دهند. یکی از مصادیق آشکار تلاش مجامع مخفی برای مداخله در سرنوشت ملت‌های دیگر و گسترش سلطه بر جهان، موضوع کاهش و کنترل جمعیت جهان است که از سال‌ها پیش در دستور کار قرار داده‌اند.

"دکتر جان کولمن" نویسنده و پژوهشگر مجامع که پیش‌تر از جاسوسان حرفه‌ای سرویس‌های مخفی بریتانیا بوده، می‌نویسد مجامع مخفی، بر این باورند که برای تحقق « مسئولیت آسمانی » که بر عهده آنان گذارده شده، باید « از راه ایجاد جنگ‌های محدود و موضعی در کشورهای پیشرفته و به وجود آوردن گرسنگی و بیماری در کشورهای جهان سوم، موجبات مرگ حدود ۳ میلیارد انسانی را که اصطلاحاً « مصرف‌کنندگان بی‌مصرف » نامیده‌اند، فراهم شود و تا سال ۲۰۵۰ جمعیت ایالات متحده باید در حد یکصد میلیون نفر کاهش یابد. »

"سرواندو گونزالز"، نویسنده کوبایی - امریکایی و تحلیل‌گر اطلاعاتی، با اشاره به تلاش «باشگاه میلیونرها» ی امریکایی برای کاهش جمعیت جهان می‌نویسد "در پنجم می ۲۰۰۹، تعدادی از بدنام‌ترین اعضای «باشگاه میلیونرها» - دیوید راکفلر، بیل گیتس، تد ترنر، اپرا وینفری، وارن بافت، جرج سوروس، الی برادو، پیترو جی. پترسون، پتی استونس فایر، جان مورگریده، مایکل بلومبرگ و تعدادی از میلیونرهای دیگر، مخفیانه در اقامتگاه سر پل نرس، رئیس دانشگاه راکفلر را در منتهن ملاقات کردند. یک روزنامه بزرگ انگلیسی، به نقل از یک فرد ناشناس که در این جلسه شرکت داشته است، گزارش کرد که در این جلسه «بر سر این نکته اجماع شد که آن‌ها باید به راهبردی روی آورند که در آن، از رشد جمعیت به عنوان یک تهدید زیست‌محیطی، اجتماعی و صنعتی بالقوه فاجعه‌بار جلوگیری شود».

مایکل اسنایدر، پژوهشگر و تحلیل‌گر مسائل سیاسی درباره تصمیم نخبگان جهانی برای کنترل جمعیت جهان می‌نویسد: "از نظر من و شما، شاید خلاص شدن از ۹۰ درصد جمعیت جهان کاری جنون‌آمیز باشد، اما هرچه می‌گذرد، این اجماع در بین نخبگان جهانی بیشتر می‌شود که رسیدن به چنین هدفی به نفع سیاره زمین است". بسیاری از افراد آشکارا اعلام کرده‌اند که به اعتقاد آنها جمعیت زمین تنها باید پانصد میلیون نفر (یا کمتر) باشد. مثلاً اولین فرمان از «ده فرمان جدید»، اصول راهنمای بدنام جورجیا بیان می‌کند: «حفظ تعداد جمعیت جهان زیر پانصد میلیون نفر، برای توازن طبیعت، واجب است. میخائیل گورباچف نیز فکر می‌کند کاهش ۹۰ درصدی جمعیت جهان، فکری کاملاً درست است: «ما باید به روشنی درباره مسائل جنسی، جلوگیری از بارداری، سقط جنین و درباره ارزش‌های کنترل جمعیت سخن بگوییم؛ چرا که بحران زیست‌محیطی در کوتاه‌مدت، بحران جمعیت است. اگر جمعیت جهان را تا ۹۰ درصد کاهش دهید، دیگر تعداد زیادی انسان باقی نخواهد ماند تا آسیب‌های زیست‌محیطی جدی به زمین وارد آورد».

در نشست سال ۲۰۱۱ بیلدر برگ که از ۹ تا ۱۲ ژوئن (۱۹ تا ۲۲ خرداد ۱۳۹۰) با حضور آندرس فوگ راسموسن دبیرکل ناتو، خواکین آلمونیا معاون رئیس کمیسیون اروپا، خاویر سولانا مسئول سابق سیاست خارجی اتحادیه اروپا، ژان کلود تریشه رئیس بانک مرکزی اروپا، رابرت زولیک رئیس گروه بانک جهانی، هنری کیسینجر تئوریسین و رئیس شرکت‌های مختلف و مشاور سابق امنیت ملی امریکا، «بیل گیتس» رئیس سابق مایکروسافت و رئیس فعلی بنیاد گیتس، رابرت گیتس وزیر دفاع وقت امریکا، دیوید راکفلر سرمایه‌دار معروف و رئیس سابق بانک منهن، میچلت وایت مدیر مسئول هفته نامه اکونومیست، آنجلا مرکل صدر اعظم آلمان، جورما اولیلا رئیس شرکت نفتی رویال داچ شل، جرج دیوید رئیس شرکت کوکاکولا، ملکه هلند، هاگان ولیعهد نروژ، پیترو برابک لتمان رئیس شرکت نستله، سوفیا ملکه اسپانیا، خوزه لوییز زاپاترو نخست وزیر اسپانیا در «سنت موریس» سوئیس برگزار شد، بر موضوع افزایش جنگ و کشتار به‌ویژه در منطقه خاورمیانه به منظور کاهش جمعیت رو به افزایش جهان تأکید شد. (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۱)

زیگنیو برژنیسکی، مشاور امنیت ملی سابق امریکا و سیاستمدار کهنه کار این کشور نیز، چندی پیش در مصاحبه با جرالده سیب، دبیر روزنامه امریکایی وال استریت ژورنال می‌گوید: «از فکر کردن به حمله پیش‌دستانه علیه

تأسیسات هسته‌ای ایران اجتناب کنید و گفت‌وگوها با تهران را حفظ کنید. بالاتر از همه، بازی طولانی مدت را انجام دهید؛ چون زمان، آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست. « (تسنیم، ۳۰/۱۰/۹۲)

جمعیت ایران، برخی آمارها

براساس برآوردهای مرکز آمار، جمعیت کشور تا پایان سال ۹۳ به بیش از ۷۷ میلیون و ۸۵۶ نفر رسیده است. در عین حال پیش بینی می شود که با ادامه روند موجود جمعیت هر سال رشد یک میلیونی را پشت سر گذاشته و در نهایت در سال ۹۵ به مرز ۸۰ میلیون برسد. (ایسنا، ۱۶/۳/۹۴)

به گزارش معاونت اطلاعات و آمار جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور، پارسال یک میلیون و ۵۳۴ هزار و ۳۶۱ نوزاد در کشور متولد شد که این میزان مولید در ۲۳ سال گذشته بی سابقه بوده است. از این تعداد مولید در سال گذشته ۷۸۸ هزار و ۶۶۹ نوزاد پسر و ۷۴۵ هزار و ۶۹۲ نوزاد دختر بودند. همچنین یک میلیون و ۱۷۸ هزار و ۹۲۱ تولد در شهرها و ۳۵۵ هزار و ۴۴۰ تولد در روستاها به وقوع پیوست. بنابر این گزارش در سال گذشته به طور متوسط طی هر ماه ۱۲۷ هزار و ۸۶۳ نوزاد و هر شبانه روز ۴ هزار و ۲۰۴ نوزاد و هر ساعت ۱۷۵ نوزاد متولد شدند. نکته حائز توجه گزارش ثبت احوال در نسبت افزایش زاد و ولد در شهرها و روستاهاست. بنا به این گزارش در حالی که افزایش زاد و ولد در مناطق شهری نسبت به سال ۹۲ تقریباً معادل صفر بود، جمعیت روستایی با افزایش زاد و ولد ۲۲/۱ درصدی مواجه شد که طی سه دهه اخیر بی سابقه است. در مجموع میزان مولید طی سال ۹۳ نسبت به سال قبل تر ۴/۲ درصد افزایش یافته است که این میزان افزایش نیز طی ۲۳ سال اخیر بی سابقه است. با این میزان افزایش نرخ خام زاد و ولد در سال ۹۳ به رقم ۱۹/۷ در هزار نفر رسید یعنی به ازای هر هزار نفر جمعیت کشور (مذکر و مؤنث) طی سال گذشته ۱۹/۷ نفر متولد شدند.

بالاترین میزان خام مولید به ترتیب در استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و هرمزگان به ترتیب با ۳۶/۳، ۲۶ و ۲۳/۹ در هزار و پایین ترین نرخ ثبت ولادت به ترتیب در استان‌های گیلان، مازندران و مرکزی با ۱۲/۸، ۱۴/۷ و ۱۵/۶ در هزار ثبت شد. نسبت جنسی نیز در سال ۹۳ معادل ۱۰۵/۷ بود یعنی به ازای هر ۱۰۰ نوزاد دختر ۱۰۵/۷ نوزاد پسر متولد شدند. (وب سایت سازمان ثبت احوال کشور)

درصد تغییر	سه ماهه اول ۹۴	سه ماهه اول ۹۳	
۴,۹	۳۷۵۹۵۹	۳۵۸۳۲۵	ولادت
۳,۴	۹۳۱۴۳	۹۰۱۰۵	فوت
۹,۷	۱۹۷۲۱	۱۷۳۹۰۳	ازدواج
۱۷,۵	۳۹۹۸۱	۳۴۰۳۰	طلاق

روند دگرگونی‌های جمعیتی ایران / پیشینه سیاست‌های جمعیتی در ایران

الف) پیش از انقلاب اسلامی

قبل از سال ۱۳۳۵ داده‌های پراکنده‌ای از میزان رشد شتابان جمعیت و باروری عمومی در ایران کسب و در دو برنامه توسعه اجتماعی و اقتصادی اول (۱۳۲۷ - ۱۳۳۵) و دوم (۱۳۳۵ - ۱۳۴۰) توجه و توصیه‌های مقدماتی به امر جمعیت و لزوم کنترل رشد آن انجام شده بود. در میانه سال‌های ۱۳۴۰ لزوم داشتن سیاست کنترل جمعیتی مطرح شد. در برنامه سوم توسعه (۱۳۴۱ - ۱۳۴۷) اجرای برنامه تنظیم خانواده، در دستور کار دولت قرار گرفت و در سال ۱۳۵۱ در سراسر کشور ۱۵۰۰ مرکز تنظیم خانواده فعال بود.

ب) پس از انقلاب اسلامی

توضیحات	متوسط موالید سالانه	دوره زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷
	۱ میلیون و ۳۵۵ هزار تولد	پنج سال قبل از انقلاب
تعطیلی برنامه تنظیم خانواده و آغاز سیر فزاینده موالید	۱ میلیون و ۶۷۰ هزار تولد	۱۳۵۸
	۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تولد	۱۳۵۹ تا ۱۳۶۵
کاهش احتمالاً به دلیل مشکلات و دشواری‌های ناشی از جنگ تحمیلی	۱ میلیون و ۹۰۰ هزار تولد	۱۳۶۶ و ۱۳۶۷

در سال‌های جنگ تحمیلی، عامل جمعیت به مثابه نیروی اجتماعی - سیاسی از طرف دولت و جامعه تلقی و به کثرت جمعیت و افزایش موالید توجه شد و احتمالاً خانواده‌هایی که پسران جوان خود را بر اثر تلفات جنگی از دست داده بودند، فرزند یا فرزندان دیگری جایگزین آنها کردند. میزان باروری سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ حاکی از این است که در گروه‌های سنی زنان بیشتر از سی‌ساله در سال ۱۳۵۵ جمع تراکمی میزان باروری به طور میانگین ۲/۵ و در سال ۱۳۶۵، ۳ تولد بوده است که این بدان معناست که ظاهراً مادران بالاتر از سی سال که پسران جوان خود را در جنگ از دست داده بودند، در سنین نسبتاً بالای دوره باروری، به تجدید باروری روی آورده‌اند. پس از پایان جنگ تحمیلی در ۱۳۶۷ رشد طبیعی و خالص جمعیت بیشتر از ۳ درصد در سال بود. با توجه به مشکلات فراوان ناشی از افزایش جمعیت، در اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد، سیاست تحدید موالید در پیش گرفته شد. همان زمان برخی کارشناسان حوزوی و دانشگاهی، با آن مخالفت کردند و از دیدگاه‌های گوناگون به نقد آن پرداختند.

در ۱۳۶۸ بر اساس بند ج قانون برنامه اول توسعه، مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱، «خطوط کلی سیاست تحدید موالید کشور» به این شرح به تصویب رسید:

اعمال سیاست تعدیل موالید از ۶/۴ مولود زنده به دنیا آمده در طی دوران بالقوه باروری یک زن (سال ۱۳۶۵) به ۴ نوزاد در سال ۱۳۹۰ و کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت از ۳/۲ به ۲/۳ درصد در همین مدت، کاهش باروری عمومی زنان تا حد ۴ نوزاد و نرخ رشد طبیعی ۲/۳ درصد در سال ۱۳۹۰. عمده‌ترین هدف جمعیتی این برنامه کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت به ۲/۹ درصد در انتهای این برنامه و ابتدای برنامه توسعه بعدی از طریق اثرگذاری آگاهانه و برنامه‌ریزی شده بر متغیر باروری، بود. و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در مقام مجری این سیاست موظف شد با همه توان و امکانات، به طور متوسط ۲۴ درصد از زنان و مادران واقع در مقاطع سنی بالقوه باروری را طی سال‌های ۶۸-۱۳۷۲ تحت پوشش برنامه تنظیم خانواده قرار دهد، تا از تولید یک میلیون مولود ناخواسته در طول این برنامه جلوگیری شود. در ۱۳۷۲/۲/۲۶ براساس مصوبه قانون برنامه اول توسعه کشور، «قانون تنظیم خانواده و جمعیت» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

بر این اساس برای تحقق شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر»، در طول بیست سال اقدام‌های فرهنگی، آموزشی، رسانه‌ای، بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای با بهره‌گیری از ظرفیت همه مراکز سازمان‌های دولتی و برخی نهادهای غیردولتی برای کاهش نرخ رشد جمعیت انجام شد، تا آنجا که میزان باروری کل از ۶/۳ در سال ۱۳۶۵ به ۱/۶ در سال ۱۳۹۰ رسید و میانگین رشد سالانه جمعیت از ۳/۹ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۱/۲۹ درصد در سال ۱۳۹۰ کاهش یافت؛ یعنی کمتر از نصف میزان پیش‌بینی شده در برنامه اول توسعه این موضوع موجب نگرانی جمعی از کارشناسان کشور و زمینه‌ساز تغییر سیاست جمعیتی نظام جمهوری اسلامی شد.

به این ترتیب از آغاز سال ۱۳۹۱ موضوع کاهش روزافزون جمعیت کشور به دغدغه‌ای برای مدیران و مسئولان نظام جمهوری اسلامی تبدیل شد و آنان را به تکاپو برای اصلاح سیاست جمعیتی کشور واداشت. نخستین اقدام در این زمینه، تدوین «راهبردها و اقدامات ملی مربوط به جلوگیری از کاهش نرخ باروری و ارتقای آن متناسب با آموزه‌های اسلامی و اقتضائات راهبردی کشور»، مصوب ۱۳۹۱/۳/۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی بود. به این ترتیب در این مصوبه «راهبردهای ملی»، به شرح ذیل پیش‌بینی شد:

۱. فرهنگ‌سازی برای دستیابی به جمعیت مطلوب و اصلاح بینش و نگرش مسئولان و مردم نسبت به پیامدهای منفی کاهش باروری به‌ویژه زیر حد جانشینی؛
۲. تدوین سیاست‌ها، برنامه‌ها و قوانین و مقررات حمایتی و تشویقی برای دستیابی به نرخ باروری مناسب جمعیت مطلوب و لغو سیاست‌ها، برنامه‌ها و قوانین و مقررات مشوق کاهش باروری؛
۳. تدوین الگوی سبک زندگی و ترویج آن به‌ویژه فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی و اشتغال زنان متناسب با معیارهای اسلامی و هماهنگ با مصالح خانواده به منظور ایفای هر چه کامل‌تر نقش مادری و همسری؛
۴. ایجاد و استقرار نظام مدیریت فرابخشی و جامع جمعیت کشور؛

۵. آمایش مستمر جمعیتی کشور و تدوین سیاست‌های مهاجرتی به منظور جهت‌دهی به جابه‌جایی‌های جمعیتی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛

۶. اهتمام به ارتقای کیفی جمعیت با متناسب ساختن نرخ باروری خانواده‌ها با شرایط و اقتضائات سلامت، معیشت و فرهنگ آن‌ها.

همچنین در ماده ۳ این مصوبه، بر "تهیه طرح جامع تولید و اجرای انواع برنامه‌های آموزشی، پژوهشی، اطلاع‌رسانی، نمایشی، تبلیغی و غیره در رسانه‌های جمعی به‌ویژه صداوسیما و شبکه‌های استانی آن با هدف گفتمان‌سازی و ترویج فواید فرزندآوری و تبیین آثار منفی کاهش نرخ باروری، با رعایت شرایط و مقتضیات راهبردی" تاکید شده است.

تأکید مقام معظم رهبری، بر ضرورت تجدید نظر در سیاست تحدید نسل در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام: ... سیاست تحدید نسل در یک برهه‌ای از زمان درست بود؛ یک اهدافی هم برایش معین کردند... ما در سال ۷۱ به همان مقاصدی که از تحدید نسل وجود داشت، رسیدیم. از سال ۷۱ به این طرف، باید سیاست را تغییر می‌دادیم؛ خطا کردیم، تغییر ندادیم. امروز باید این خطا را جبران کنیم. کشور باید نگذارد که غلبه نسل جوان و نمای زیبای جوانی در کشور از بین برود؛ و از بین خواهد رفت اگر به همین ترتیب پیش برویم... این‌ها خطابیات نیست؛ این‌ها کارهای علمی و دقیق کارشناسی شده است.

ایشان، همه مسئولان را به «فرهنگ‌سازی» درباره افزایش جمعیت فرا خواندند و فرمودند:

این مسئله افزایش نسل و این‌ها، جزو مباحث مهمی است که واقعاً همه مسئولین کشور - نه فقط مسئولین اداری - روحانیون، کسانی که منبرهای تبلیغی دارند، باید در جامعه درباره آن فرهنگ‌سازی کنند؛ از این حالتی که امروز وجود دارد - یک بچه، دو بچه - باید کشور را خارج کنند. رقم صد و پنجاه میلیون و دویست میلیون را اول امام گفتند - و درست هم هست - ما باید به آن رقم‌ها برسیم.

دلایل کاهش شدید جمعیت کشور در دو دهه اخیر

برخی صاحب‌نظران بر این باورند که مهم‌ترین عامل کاهش نرخ زاد و ولد در دهه هفتاد و هشتاد و به تبع آن، کاهش ناگهانی رشد جمعیت، بیش و پیش از آنکه ناشی از اعمال سیاست‌های تحدید جمعیت نظام اسلامی باشد، از تحولات ساختاری، تغییر سبک زندگی و تسلط گفتمان فردگرایانه و مصرف‌گرایانه سرچشمه می‌گرفت که در پی اجرای الگوهای توسعه غربی از اواخر دهه شصت به بعد در کشور رخ داد. بنابراین، در تدوین سیاست جدید جمعیتی، باید به علل و عوامل یادشده در کاهش میزان باروری و کاهش جمعیت توجه کرد و راهکاری متناسب با آن برای افزایش میزان باروری و افزایش جمعیت در نظر گرفت.

تحلیل وضعیت آینده جمعیت ایران: سالخوردگی جمعیت، مسائل و راهکارها

بر اساس آخرین آمار رسمی نرخ رشد جمعیت کشور، حدود ۱,۳ است. در حال حاضر ایران دارای حدود ۲۰ میلیون جمعیت متولد دهه ۱۳۶۰ است که این افراد در سال ۱۴۲۰ به سن ۶۰ سالگی می‌رسند. بر این اساس، می‌توان پیش‌بینی کرد که حدود ۳۰ سال آینده ۲۰ میلیون نفر جمعیت سالخورده خواهیم داشت. رشد جمعیت میانسال ما سه برابر خواهد شد و این در حالی است که نرخ باروری در حال حاضر زیر نرخ جانشینی است.

بانک جهانی در گزارش اخیر خود موسوم به «گزارش توسعه جهانی» نسبت به سرعت بالای پیر شدن جمعیت در ایران هشدار داده است. بانک جهانی می‌گوید: ایران، هند، سنگاپور و تایلند در آینده نزدیک با پیری شدید جمعیتی مواجه خواهند شد. بر اساس پیش‌بینی بانک جهانی نمره ایران در شاخص وابستگی سالخوردگی تا سال ۲۰۵۰ پنج برابر خواهد شد. این به آن معناست که نسبت جمعیت غیرفعال ایران به جمعیت فعال طی ۳۸ سال آینده ۵ برابر می‌شود. زمانی که نمره کشوری در این شاخص بالا باشد یعنی این که جمعیت فعال کشور برای تامین نیازهای افراد سالخورده باید بار زیادی را تحمل کند. (مشرق، ۹۱/۹/۷)

موسسه یورومونتیور در گزارشی جامع به پیر شدن شدید جمعیت ایران تا سال ۲۰۳۰ پرداخته است. بر اساس این گزارش، در سال ۲۰۳۰ جمعیت ایران به ۸۹/۹ میلیون نفر خواهد رسید که نسبت به سال ۲۰۱۰ به مقدار ۱۹/۸ درصد رشد خواهد داشت. مهمترین جنبه این رشد جمعیتی انفجار جمعیت ۴۰ سال به بالا تا ۱۰۸ درصد خواهد بود. همچنین در سال ۲۰۳۰ تعداد ۲۶/۲ میلیون نفر از مردم ایران بین ۳۵ تا ۵۰ سال سن خواهند داشت که تقریباً یک نفر از هر سه نفر ایرانی را شامل می‌شود. در سال ۲۰۳۰ تعداد افراد ۰ تا ۷ ساله و نیز ۱۶ تا ۳۴ ساله نسبت به سال ۲۰۱۰ کاهش چشمگیری خواهد داشت. جمعیت ایران به سرعت در حال حرکت به سمت پیر شدن است.

سن متوسط در سال ۲۰۱۰ به ۲۶/۷ سال رسید و انتظار می‌رود که در سال ۲۰۳۰ به ۳۷/۵ برسد. متوسط سنی ایرانیان در سال ۱۹۹۷ کمتر از ۲۰ سال بود. (مشرق، ۹۱/۹/۷)

به نظر دکتر محمد میرزایی، رئیس انجمن جمعیت‌شناسی ایران، از نظر علم جمعیت‌شناسی اگر ۱۵ درصد جمعیت یک جامعه دارای سن بالای ۶۵ سال باشند آن جامعه سالخورده عنوان می‌شود. ما در سال ۱۴۳۰ چه خواهیم و چه نخواهیم ۱۵ تا ۱۶ درصد جمعیت کشورمان سن بالای ۶۵ سال خواهند داشت. اما برآوردها نشان می‌دهد در آن زمان حدود ۶۳ تا ۶۴ درصد جمعیت کشور در سن ۱۵ تا ۶۴ قرار دارند. بنابراین، این‌گونه نیست که تمام جمعیت کشور سالخورده می‌شوند، در آن شرایط هم جمعیت میانسال و بالقوه فعال بیش از ۶۰ درصد خواهد بود. (نسیم، ۹۴/۳/۱۹)

البته در بدترین حالت سال ۱۴۲۰ کشور ما حدود ۲۰ درصد جمعیت سالخورده خواهد داشت. اگر در آن زمان کشور دارای ۱۰۰ میلیون جمعیت باشد، حدود ۲۰ میلیون نفر سالخورده خواهیم داشت. این وضعیتی است که اکنون ژاپن با آن مواجه است. ۲۰ درصد جمعیت این کشور سن بالای ۶۵ دارد اما کشور ژاپن با مشکل زیادی مواجه نیست و فعالیتش را ادامه می‌دهد. به نظر دکتر میرزایی ترس به وجود آمده از موضوع سالخوردگی در اذهان

به این دلیل است که موضوع سالخوردگی جمعیت مانند سالخوردگی فردی تصور می‌شود. در دهه‌ی ۱۳۶۰ که جمعیت ایران جوان بود، فقط ۵۰ درصد جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال بود که این رقم کمتر از رقمی است که برای جمعیت سالخورده گفته شد.

سالخوردگی جمعیت بحث بسیار مهمی است. جوانان امروز در سال ۱۴۲۰ سالخورده می‌شوند، پس باید برای رفع مشکل سالخوردگی، این افراد را توانمند تربیت کنیم. این موضوع مهم است که وقتی افراد به سن ۶۵ به بالا می‌رسند به میزان بیشتری با مشکلاتی مانند بیماری و ناتوانی روبرو خواهند شد اما این‌گونه نیست که همه افراد سالخورده با مشکل مواجه باشند. ما هرچه جوانان را توانمندتر تربیت کنیم سالخوردگی آن‌ها با مشکلات جسمی و روحی کمتر مواجه خواهد بود. باید ذهنمان متوجه جوانان باشد و برای اشتغال، زندگی و ازدواج آن‌ها برنامه‌ریزی کنیم. این درحالی است که برخی از افراد این نوع مسائل در کشور را رها کرده و برای سالخوردگی جوانان امروز در ۴۰ سال بعد گریه می‌کنند. (میرزایی، ۱۳۹۲)

از نقطه نظر کلان، در حال حاضر جمعیت ما نزدیک به ۸۰ میلیون نفر است که این آمار جمعیت کمی نیست، همچنین، میزان رشد سالانه جمعیت کشور ۱/۳ درصد است و این روند رشد بالایی بشمار می‌رود. طبق اعلام ثبت احوال سالانه بیش از یک میلیون نفر به جمعیت کشور افزوده می‌شوند و این روند رشد جمعیت به دلیل ساختار سنی کشور، تا پایان دهه‌ی ۱۳۹۰ ادامه خواهد داشت. می‌توان گفت از نظر ساختار سنی، ایران در فرصت طلایی پنجره جمعیت قرار دارد و باید قدر این شرایط را بدانیم. جمعیت کشور به یک تناسب رسیده و آهنگ رشد آن متعادل شده است و باید بگوییم خدا را شکر، اما ایران با یک چالش جمعیتی در سطح خرد و در درون خانواده‌ها مواجه است که آن چالش باروری زیر سطح جانشینی است. باروری زیر سطح جانشینی بیش از یک دهه است که ثبات پیدا کرده و آمارها نشان می‌دهد میل به کاهش را از دست داده است و این روند برخلاف تصویری است که برخی افراد فکر می‌کردند سقوط می‌کند و در واقع، می‌توان گفت جامعه و وجدان جمعی حواسش به این موضوعات بوده است. (همان منبع)

با توجه به نرخ رشد منفی اقتصاد کشور در دهه ۱۳۸۰ در این دوران رکود، سن ازدواج افزایش یافت و به این ترتیب در حال حاضر میانگین سن ازدواج دختران در کشور ۲۴ و پسران به ۲۸ رسیده است. میزان باروری ناشی از ازدواج ۳,۳ است و تأخر در ازدواج بر این آمار مؤثر بوده و باروری به زیر سطح جانشینی رسیده است. بنابراین، اگر روند ازدواج جوانان تسهیل شود و سن ازدواج کاهش یابد باروری به سطح جانشینی و حتی قدری بالاتر از آن خواهد رسید. اگر باروری بین ۱/۸ تا ۱/۹ باقی بماند، در سال ۱۴۳۰ رشد جمعیت صفر خواهد شد. بنابراین، ۴۰ سال وقت داریم این روند را اصلاح کنیم و بهترین راه برای جلوگیری از صفر شدن رشد جمعیت تسهیل ازدواج جوانان است. (نسیم، ۹۴/۳/۱۹)

دورنمای جمعیت ایران بر اساس میزان و نرخ رشد جمعیت به این گونه است که تا سال ۱۴۰۰ جمعیت کشور ما از ۸۵ میلیون نفر کم‌تر نخواهد بود. در قرن ۱۵ هجری شمسی با همین وضعیت جمعیت ما به یکصد میلیون نفر نیز می‌رسد. بنابراین، حتی اگر به یک ثبات رشد صفر جمعیت نیز دست یابیم من فکر می‌کنم در سال ۱۴۳۰ جمعیت

ما از ۱۰۰ میلیون نفر بیش‌تر خواهد بود. و « اگر افزایش جمعیت ایران با آهنگ رشد فعلی ادامه پیدا کند، خواه ناخواه رقم جمعیت ایران تا ۵۰ سال آینده به ۱۵۰ میلیون نفر خواهد رسید ایران حتی تا ۲۰۰ میلیون نفر، ظرفیت تحمل جمعیت دارد، اما باید توجه داشت، زمانی که جمعیت کشور به این رقم می‌رسد، آهنگ رشد جمعیت چه قدر است و آیا امکانات ما با چنین جمعیتی متناسب است یا خیر؟ مثلاً اگر فرض کنیم آهنگ رشد جمعیت در کشور ۲ درصد باشد تا ۳۵ سال آینده جمعیت کشور به ۱۵۰ میلیون نفر و تا ۷۰ سال آینده به ۳۰۰ میلیون نفر خواهد رسید. » (میرزایی، روزنامه اطلاعات، ۸۹/۲/۹)

نکته امیدوارکننده این است که حتی در وضعیت سالخوردگی آینده جمعیت ایران، بیش از ۶۰ درصد جمعیت کشور افراد واقع در سنین ۱۵ تا ۶۴ و بالقوه فعال هستند. بنابراین، نباید تصور کرد در وضعیت سالخوردگی تمام جمعیت کشور سالخورده خواهد شد. کارشناسان معتقدند که در سطح کلان، تناسب جمعیتی ما از نظر تعداد، رشد و ساختار سنی خوب است اما باید برای چالش سطح خرد که با آن مواجه هستیم فکر کنیم تا باروری بالای سطح جانشینی قرار گیرد. زمانی که باروری یک جامعه زیر سطح جانشینی برسد حدود ۴۰ تا ۵۰ سال طول می‌کشد تا رشد جمعیت آن جامعه به صفر برسد و این فرصت خوبی است تا از زیر سطح جانشینی بالا برویم.

میرزایی معتقد است با این روند ما ۴۰ سال وقت داریم تا اصلاحاتی را در خصوص رشد جمعیت انجام دهیم. در حال حاضر، باید جوانان را توانمند کنیم و بستر اشتغال و ازدواج را فراهم کنیم تا روند اصلاح شود. البته مثلاً در مورد زنان اگر میانگین سن ازدواج فقط دو سال کاهش یافته و از ۲۴ سال به ۲۲ سال برسد تأثیر قاطعی بر باروری و نیل به سطح جانشینی و بالاتر از آن خواهد داشت. اگر خوابگاه‌های دانشجویی متاهلین دانشگاه‌ها آبرومند باشند نسبت بیش‌تری از دانشجویان می‌توانند ازدواج کنند و حتی فرزند نیز داشته باشند. بنابراین، موضوع توانمندسازی جوانان بحث مهمی است که باید به آن توجه شود.

همچنین تسهیل ازدواج خیلی بحث مهمی است زیرا سن ازدواج در کشور بالا رفته است. در زمینه‌ی ازدواج موضوعاتی مانند توسعه اقتصادی و اجتماعی مؤثر است. همچنین در سطح خانواده‌ها این نوع موارد باید به طور جدی مورد توجه قرار گیرد و سعی کنیم به ورطه‌ی تک فرزندی، بی‌فرزندی و یا ازدواج سفید وارد نشویم. تسهیل ازدواج به بیرون رفتن از باروری زیر سطح جانشینی کمک می‌کند، سبک زندگی نیز مهم است و باید در این زمینه فعالیت‌های فرهنگی انجام شود. من نمی‌گویم هیچ مسئله‌ای نداریم. ما مشکل باروری زیر سطح جانشینی داریم و باید به آن بپردازیم، اما باید برنامه‌ریزی کنیم که چگونه از این چالش خارج شویم. در کلان جمعیت کشور، میزان رشد و ساختار سنی خوب است. در حال حاضر، در درون خانواده‌ها با مشکل مواجه هستیم که میل به فرزندخواهی و ازدواج کم شده است و باید در این زمینه تحقیق و چاره‌جویی شود.

در حال حاضر، بالاترین میزان بیکاری مربوط به جوانان است به خصوص جوانان تحصیل کرده که بر اساس آمار میزان بیکاری جوانان تحصیل کرده دو برابر میانگین کشور است. برای این مشکلات باید به طور جدی برنامه‌ریزی شود. اگر مسائل اقتصادی بهبود پیدا کند و وحشت از فرزندآوری تغییر کند شرایط بهتر خواهد شد. به نظر می‌رسد

در دهه‌ی اخیر الگوی فرزندخواهی خانواده‌ها بیشتر تمایل به داشتن یک تا دو فرزند بوده. باید با زمینه‌سازی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی الگوی فرزندخواهی را به دو تا سه فرزند ارتقاء داد.

طی ۱۰ سال آینده زندگی خیل عظیم جوانان فعلی ۲۰ تا ۳۰ ساله کشور شکل می‌گیرد، باید به آن‌ها کمک شود تا با وضعیت بهتری به مرحله شکل‌گیری زندگی خود وارد شوند. گرچه تحقیقات نشان می‌دهد که مردم هنوز در ایران خواستار تعداد بیشتر فرزندان هستند. اما در عمل چنین چیزی اتفاق نمی‌افتد. البته تحقق این امر منوط به حمایت از زوجین است. تغییر الگوی فرزندآوری دشوار است. زیرا ساختار زندگی در جامعه تغییر کرده است و برای مثال الگوی مسکن به مسکن‌های ۴۰ و ۵۰ متری رسیده است و همین موجب تک فرزندی شده است و خیلی زمان بر و دشوار است که این مسکن‌های ۴۰ متری به ۶۰ متر و ۷۰ متر برسد.

از سوی دیگر فراهم کردن زیرساخت‌های لازم برای جمعیت بالای ۶۰ سال در سال‌های پیش رو از اهمیت بسیاری برخوردار است. در حال حاضر ۶ میلیون نفر بالای ۶۰ سال داریم و تا ۱۰ سال آینده این تعداد قطعاً به ۱۱ میلیون افزایش خواهد یافت و در ۲۰ سال آینده این آمار بیشتر هم خواهد شد. بنابر این برنامه ریزی برای پزشکی سالمندان و مبلمان شهری یک ضرورت است.

نگرش‌ها

مرکز آمار ایران و پژوهشکده آمار با همکاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و با حمایت صندوق جمعیت ملل متحد اقدام به مطالعه رفتار فرزندآوری و باروری میان جوانان در آستانه ازدواج و زنان همسر دار واقع در سنین ۱۵-۴۹ سال کرده تا به آمار و اطلاعات دقیق در مورد تعداد مطلوب فرزندان و شناخت عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر آن دست یابند. بر این اساس اکثر جوانان در سن ازدواج داشتن فرزند را ارزش تلقی میکنند، و این یافته بسیار مهمی است. اما آنچه بیش از هر چیز سبب شده که این باورها در جامعه محقق نشوند، ظاهراً موانع اقتصادی، هزینه‌های بالای زندگی و نگرانی از آینده است. به نظر دکتر کاظمی‌پور، استاد جامعه‌شناسی بر اساس این یافته‌ها می‌توان نتیجه‌گیری کرد که نگرانی‌های جوانان در مورد هزینه‌های بالای پرورش فرزندان قابل توجه است. با این حال میل به فرزندآوری در میان جوانان ایرانی وجود دارد و تنها نیازمند مدیریت صحیح است. جالب است بدانیم طبق نتایج این تحقیقات و بر خلاف تصور عموم، افراد دارای پایگاه اقتصادی بالاتر تمایل کمتری به فرزندآوری دارند.

از نظر زاهدیان، معاون طرح‌های آماری و آمارهای ثبتی در مرکز آمار ایران نیز "در رویارویی با چالش کاهش نرخ باروری عمده تمرکز باید بر حل مسائل مربوط به ازدواج باشد." (وب سایت انجمن جمعیت‌شناسی ایران)

منابع:

- شفیعی سروستانی، ابراهیم؛ رسانه ملی و تغییر سیاست جمعیتی؛ مسئله‌شناسی، راهبردها و سیاست‌ها، قم: صداوسیما، جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۱.

- خبرگزاری تسنیم

- مشرق، ۹۲/۱/۱۲،

- آفتاب، ۹۴/۴/۱۳،

- وب سایت موسسه تحقیقاتی پیو

"-The Future of World Religions: Population Growth Projections, 2010-2050"

- وب سایت انجمن جمعیت‌شناسی ایران

- وب سایت سازمان ثبت احوال کشور

مدیریت
پژوهش
خبری
معاونت
خبر
صدا و سیما